



Critique and Review of the Entry “Mawla and Wala” in the Encyclopaedia of the Quran Leiden *

Ali Ghanei Ardakan ¹ and Maryam Bahman ²

Abstract



Understanding and critically evaluating the views of orientalist on Islamic knowledge is essential for Muslim academic communities. This paper, conducted using a descriptive-analytical method, critiques and reviews the entry “Mawla and Wala,” written by Sebastian Gunther in the Encyclopaedia of the Quran Leiden. Upon examining this entry, it becomes clear that the author, based on his intellectual principles—emphasizing the influence of local cultures on Islamic culture—has taken a good historical approach to the term and discussed its usage in the tribal Arab society before Islam. Positive aspects of the entry include its logical structure, examination of the term “Mawla” in several Quranic verses, consideration of some exegetical sources, and brief mention of meanings like authority, ownership, and guardianship in the Quran. However, significant weaknesses of the entry include the limitation of the term “Mawla” to meanings like dependent, protector, and supported member throughout the article, a biased report on the concept of “Mawla and Wala,” selective approach to the term’s usage in the Quran, failure to highlight the primary meaning of “priority in authority” and “guardianship,” lack of references in various parts of the article, reliance on Sunni sources without using multiple sources, particularly Shia sources, and the omission of the Wilayah verse. These shortcomings have resulted in the article lacking the necessary rigor and depth, and the author failing to fully convey the concept of “Mawla,” and consequently, the principle of Wilayah and its importance in Quranic verses and Shia beliefs.

Keywords: Mawla and Wala, Wilayah Verse, Orientalists, Encyclopaedia of the Quran Leiden, Sebastian Günther.

*. **Date of receiving:** 16-10-2023; **Date of correction:** 18-02-2024; **Date of approval:** 21-05-2024.

1. PhD in Exegesis and Quran Sciences, Exegesis Scientific Department of Al-Zahra (S) Seminary School, Qom, Iran: Ghanei83@yahoo.com

2. 4th Level Student, Majoring in Comparative Interpretation, Al-Zahra (S) Seminary School, Qom, Iran (Corresponding Author):
bahmanm9840@gmail.com



نقد و بررسی مدخل «مولی و ولاء» در دائرة المعارف قرآن لیدن *

علی قانع اردکان^۱ و مریم بهمن^۲



چکیده

شناخت دقیق آراء خاورشناسان درباره معارف اسلامی و نقد علمی آنان از ضروریات مجامع علمی مسلمانان است. نوشته حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است، به نقد و بررسی مدخل «مولی و ولاء»، نوشته سباستین گوتتر در دایرة المعارف قرآن لیدن می‌پردازد. با بررسی این مدخل، روشن می‌شود که نویسنده براساس اصول فکری خود - مبنی بر نقش فرهنگ بومی هر منطقه بر فرهنگ اسلامی - به این واژه رویکرد تاریخی خوبی داشته و کاربرد آن را در جامعه قبیله‌ای عرب قبل از اسلام بیان کرده است. نظم منطقی مقاله، بررسی کاربردهای واژه «مولی» در تعدادی از آیات قرآن و توجه به برخی منابع تفسیری، اشاره هرچند گذرا به معنای تسلط، مالکیت و سرپرستی در قرآن، برخی از امتیازات مثبت این مدخل است. از مهمترین نقاط ضعف مدخل، انحصار معنای واژه «مولی» بر تابع، محافظت و عضو حمایت‌شده در تمامی قسمت‌های مقاله و گزارش سوگرایانه در بیان مفهوم واژه «مولی و ولاء»، رویکرد گزینشی به کاربرد واژه «مولی» در قرآن، برجسته نکردن معنای اصلی و محوری «اولویت در تصرف» و «سرپرستی» در بیان معنای کلمه «مولی و ولایت»، استناد ندادن به منابع در قسمت‌های مختلف مقاله، محدودبودن منابع استفاده‌شده به منابع اهل تسنن و استفاده نکردن از منابع متعدد، به‌ویژه منابع شیعی و استناد نکردن به آیه ولایت است. این نقص‌ها موجب شده است که مقاله از استحکام و اتقان لازم بی‌بهره بوده و نویسنده از بیان مفهوم کامل واژه «مولی»، و در نتیجه اصل ولایت و اهمیت آن در آیات قرآن و اعتقادات شیعه بازماند.

واژگان کلیدی: مولی و ولاء، آیه ولایت، خاورشناسان، دایرة المعارف قرآن لیدن، سباستین گوتتر.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹؛ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱.

۱. دکترای تفسیر و علوم قرآن، گروه علمی تفسیر جامعة الزهرا (س)، قم، ایران: Ghanei83@yahoo.com

۲. طلبه سطح ۴، گرایش تفسیر تطبیقی، جامعة الزهرا (س)، قم، ایران (نویسنده مسئول): bahmanm9840@gmail.com



۱. مقدمه

دائرة المعارف قرآن لیدن (Leiden) شامل حدود هفتصد مدخل در موضوعات قرآنی است که توسط خاورشناسان غربی نگاشته شده است. از جمله این مدخل‌ها، مدخل «مولی و ولأء» است که توسط خاورشناس آلمانی، سباستین گونتر (Sebastian Günther) نگاشته شده است (McAuliffe, Clients and Clientage, 2001, vol 1, P. 344). برداشت‌های متفاوت از معنای واژه «مولی» در منابع دینی اعم از آیات قرآن و روایات، مبدأ پیدایش فرقه‌های کلامی و مذهبی مختلف در میان مسلمانان شده است. آگاهی از دیدگاه‌های مختلف در حوزه علوم اسلامی، از جمله آشنایی با نظرات خاورشناسان در این زمینه، برای محققان و پژوهشگران علوم دینی امری لازم است (ترکمانی و محمدی، ارزیابی پژوهش‌های جین دمن مک‌اولیف، ۱۳۹۳: ۵۲-۳۱). با تتبع در آثار خاورشناسان در مواردی برداشت‌های نادرست و ناقص از آیات و روایات مشاهده می‌شود که به عواملی چون ناآشنایی با ادبیات عرب، لسان آیات و روایات، زوایای تاریخ اسلام و ابعاد فرهنگ دینی مسلمانان از سویی و مراجعه نکردن آنان به همه نصوص و قرائن موجود در یک موضوع از سوی دیگر مربوط می‌شود. این امر بررسی متصفانه و نقد علمی پژوهش‌های انجام‌شده توسط آنان را امری ضروری و بایسته می‌گرداند (معارف، دائرة المعارف قرآن لیدن، امتیازات و چالش‌ها، ۱۳۹۲: ۳۸-۴۶). در این جهت، مطالعه حاضر در جهت پاسخگویی به این پرسش انجام شده است که مدخل «مولی و ولأء» در در دائرة المعارف قرآن لیدن چگونه بیان شده است و نقاط مثبت و منفی این مدخل چیست؟ در بررسی انجام‌شده در مورد «مولی و ولأء» مطالعاتی به دست آمد که به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. نظری توکلی در مقاله «تأثیرپذیری نگرش‌های کلامی از معناشناسی واژه «مولی»، معانی لغوی مولی و مراد از این واژه در حدیث غدیر را بیان کرده و مورد نقد و بررسی قرار داده است (نظری توکلی، تأثیرپذیری نگرش‌های کلامی از معناشناسی واژه «مولی»، ۱۳۸۶: ۱۷۷-۱۴۵).
۲. جعفری و حائری در مقاله «جستاری در معنای واژه ولی» پس از بیان معانی لغوی مختلف از واژه ولی، معنای «سرپرست و متصرف» را به عنوان معنای اصلی و منحصر برای «ولی» پذیرفته‌اند و سایر معانی مطرح‌شده را به عنوان مصادیق کلی این معنا و یا از لوازم و مستلزمات آن می‌شمارند (جعفری و حائری، جستاری در معنای واژه «ولی»، ۱۳۹۲: ۵۴-۲۴).
۳. غلامی و برنجکار در مقاله «تبیین معنای «ولی» در آیه ولایت» پس از بررسی معنای لغوی واژه «ولی» به بررسی معنای این واژه در آیه ولایت از دیدگاه متکلمان شیعه و سنی پرداخته‌اند و کلمه

«ولی» در آیه ولایت را به معنای سرپرست و متصرف، و ولایت الهی را امامت و اطاعت الهی دانسته که فهم جامعه عصر نزول نیز همین معنا بوده است (غلامی و برنجکار، تبیین معنای «ولی» در آیه ولایت اندیشه نوین دینی، ۱۳۹۱: ۶۸-۵۱).

۴. ذوقی در مقاله «چندمعنایی واژه‌های ولی و مولی در قرآن کریم»، به معانی تاریخی و معناشناختی واژه «مولی» و معنای «ولی و مولی» در قرآن پرداخته است (ذوقی، چندمعنایی واژه‌های ولی و مولی در قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۲۵۰-۲۲۷).

نظر به اهمیت تحقیق و بررسی رویکرد خاورشناسان در موضوع معناشناسی «مولی، ولاء» در قرآن از سویی و اهمیت آن در مباحث بنیادین اعتقادی از سوی دیگر، با جستجوی صورت پذیرفته، پژوهشی در نقد مدخل «مولی و ولاء» در دائرةالمعارف قرآن لیدن انجام نگرفته است؛ بنابراین پژوهش حاضر از این جهت نو و بدیع است، و به تحلیل و نقد این مدخل می‌پردازد؛ اما قبل از آن، ابتدا به زیست‌شناخت نویسنده اشاره می‌شود.

۲. زیست‌شناخت نویسنده

سباستین گونتر (Sebastian Günther) نویسنده مدخل «مولی و ولاء» در دائرةالمعارف قرآن لیدن، متولد ۱۹۶۱ میلادی، استاد اسلام‌شناسی و مطالعات ادبیات و زبان عربی در دانشگاه گوتینگن (Göttingen) آلمان است. وی از جمله همکاران ویراستار مجموعه تاریخ و تمدن اسلامی (Islamic History and Civilization series) است. او آلمانی‌الاصل بوده و تحصیلات خود را در دانشگاه هارتین لوتر هال ویتنبرگ (Martin-Luther-Halle-Wittenberg University) آلمان گذراند است. تدریس در دانشگاه گوتینگن آلمان در حوزه اسلام‌شناسی و زبان عربی و برخی از دانشگاه‌های خاورمیانه مانند دانشگاه الازهر، دانشگاه آمریکایی بیروت و دانشگاه بین‌المللی اسلامی در اسلام‌آباد (Al-Azhar University, the American University of Beirut and the International Islamic University in Islamabad)، از جمله فعالیت‌های علمی اوست. تحقیقات او به صورت ویژه بر روی قرآن، حدیث و تفکر دینی و فلسفی مسلمانان متمرکز است. گونتر به مبانی و مبادی تربیت و آموزش و پرورش اسلامی علاقه‌مند بوده، مقالات و تألیفات بسیاری را در این زمینه منتشر کرده است (کاجی، نگاهی به کارنامه فکری و فرهنگی برخی از ایران‌شناسان و اسلام‌شناسان در کانادا، ۱۳۹۶). گونتر معتقد است که متون مربوط به آموزش و پرورش در فرهنگ اسلامی علاوه بر تعالیم و آموزه‌های اسلامی، از شاخص‌های فرهنگی بومی و محلی هم تأثیر گرفته است. شیوه انتقال دانش بین تمدن



اسلامی و تمدن غرب از دیگر موضوعات مورد علاقه گونتر در حوزه تحقیقات خاورشناسی است. او با بیان نقش معارف اسلامی در پایه گذاری تمدن جدید در غرب و تأثیرپذیری فرهنگ اسلامی از غرب با ترجمه کتاب هایی به زبان عربی توسط مسیحیان عرب، معتقد است که جهان غرب مدیون اندیشه های متفکران مسلمان است و اندیشه های اسلامی از راه تأثیر بر نخبگان قرون وسطا به جهان جدید منتقل شده است؛ بنابراین فهم معارف جهان اسلام و معارف موجود در قرون وسطا در غرب - که ارتباط تنگاتنگی با هم دارند - راهی برای نزدیکی غرب و تمدن اسلامی است؛ زیرا که هر دو این تمدن ها مروج جهان شمولی عقل و عقلانیت هستند (انجمن اروپایی ادیان؛ مرکز مطالعات معاصر عرب، <https://ccas.georgetown.edu>، <https://egrd.eu/index.php>)

از دیگر زمینه های تحقیقات گونتر می توان پژوهش در حوزه تاریخ فکری و فرهنگی اسلام، اخلاق و تربیت اسلامی، انتقال دانش، تاریخ علوم عربی - اسلامی، آداب دینی و فلسفی در اسلام شامل: قرآن و تفسیر آن، اسلام در چارچوب ادیان ابراهیمی، ادبیات عرب کلاسیک و معاصر؛ و گفتگوی تمدن ها را نام برد (دانشگاه گوتینگن، <https://www.uni-goettingen.de/en/>).

۳. گزارش مدخل «مولی و ولاء» در دائرة المعارف قرآن لیدن

گونتر در مدخل مولی در دائرة المعارف قرآن لیدن عنوان بندی خاصی را اعمال نکرده است؛ اما برای سهولت بیان و نقد بهینه، می توان مدخل «مولی» را تحت عنوان های مختلف شامل: معنای لغوی مولی، کاربرد قرآنی این واژه، معنای «مولی و ولاء» در کتب تفسیری، ولاء اسلامی و ولایت در قرآن دانست که در ادامه به گزارش آن پرداخته می شود:

یک. معنای لغوی و تاریخی مولی

سباستین گونتر در مقاله «مولی و ولاء» ابتدا به معنای لغوی مولی و موالی می پردازد و آن را به معنای پیوند حقوقی فرد یا گروهی به فرد، خانواده، قبیله یا قومی دیگر می داند. نویسنده در تبیین زبان شناختی معنای مولی معتقد است که مولی دارای معنای متضاد و از ریشه «ولی» است که به معنای «نزدیک بودن یا مرتبط بودن با شخص یا چیزی» است. وی با تأکید بر نقش واژه مولی (جمع موالی) به همراه «حلیف» (هم پیمان) و «جار» (همسایه محافظت شده) در عربستان پیش از اسلام و در اسلام بیان می کند که مولی تحت حفاظت یا معمولاً برابر با کسانی بود که در یک خانواده، قبیله یا قوم به دنیا می آمدند و از این رو اعضای کامل آن خانواده به شمار می رفتند. به عقیده نویسنده مدخل، معنای مولی (به معنای فرد تابع، محافظت شده، شخص آزاد عضو یا برده آزاد شده یا گروهی از این

افراد) و ولاء (حفاظت و حمایت) مطابق با کاربرد حقوقی، تاریخی یا الهیاتی و مطابق با دوره‌ها و زمینه‌های اجتماعی که در آن به کار می‌رود، اساساً تغییر می‌کند (مک‌اولیف، دائرةالمعارف قرآن، ۱۳۹۸: ۲۷۱/۵؛ McAuliffe, Clients and Clientage, 2001, vol 1, P. 344).

دو. کاربرد واژه «مولی» در قرآن

در مدخل «مولی» آمده است: «در قرآن مولی ۲۱ بار ذکر شده است (سه بار به صورت جمع موالی) عمدتاً با معنایی که متضاد با معنای «عضو تابع» یا «درحمایت» است». سپس نویسنده به معنای مولا در آیات مختلف قرآن اشاره می‌کند که شامل موارد ذیل است:

- رب، محافظ، یاور و معتمد: مولی در اغلب موارد کاربرد قرآنی صفتی برای خدا یا صفت الوهی به معنای رب (مترادف با السید)، محافظ، یاور و معتمد است (بقره/ ۲۸۶؛ آل عمران/ ۱۵۰؛ انعام/ ۶۲؛ انفال/ ۴۰؛ توبه/ ۵۱؛ یونس/ ۳۰؛ مریم/ ۵؛ دوبار در حج/ ۷۸؛ محمد/ ۱۱؛ تحریم/ ۲ و ۴).

- راهنما، شخص یا شیء مسئول: «جایگاهتان آتش است، آن مولای شماست» (حدید/ ۱۵).

- محافظی نیک: «کافران را مولایی نیست» (محمد/ ۱۱).

- محافظی بد: (حج/ ۱۳)

- وارث: «برای هریک مولایی قرار داده‌ایم» (نساء/ ۳۳).

- خویشاوند مرد که در آن زکریا در دعایش می‌گوید: «من پس از خویش از موالیم بیمناکم» (مریم/ ۵).

- عضو تابع: تنها دوبار واژه مولی در قرآن به معنای کلی عضو تابع آمده است. «پس آنها (یعنی پسرخواندگان) برادران دینی و موالی شمایند» (احزاب/ ۵).

- تابع و متبوع: در آیه ۴۱ سوره دخان، مطابق برخی تفاسیر این واژه به دو معنای متضاد آمده است: «روزی که متبوع (مولی) از تابع خود (مولی) نمی‌تواند حمایتی کند»..

سه. معنای «مولی» و «ولی» در کتب تفسیری

در ادامه بحث، گویند به کاربرد واژه مولی در دیدگاه برخی از مفسران قرآن پرداخته و می‌نویسد: «مفسران کاربرد قرآنی مولی را به معنای شخص یا خویش نزدیک (قریب؛ ابن کثیر، تفسیر، ۲۳۲/۴، ذیل دخان/ ۴۱) و به معنای مجازی عضو قبیله (ابن العم، یار (ناصر)، دوست (صدیق؛ قرطبی، جامع، ۴۸/۱۶، ذیل دخان/ ۴۱)، قرابة و صداقة؛ (جلالین، ۳۷۷، ذیل احزاب/ ۵) و همچنین «ولی» را به حافظ (ولی؛ قرطبی، جامع، ۴۸/۱۶، ذیل دخان/ ۴۱) می‌دانند و در ارتباط معنایی مولی با اخ و برادر،



آنها را مترادف دانسته (ابن کثیر، تفسیر، ۷۲۲/۳)، به حدیث پیامبر «لنت اخونا و مولانا» (بخاری، صحیح، ۲۷۰۰، ۴۲۵۱، ابن حنبل، مسند، ۹۳۳) و عبارت «اخوانکم فی الدین و موالیکم» قرطبی، جامع، ۱۱۹/۱۶، ذیل احزاب: ۵) اشاره می کند. در همین بحث نویسنده بیان می کند که: «نزدیکی که عموماً «مولی» و «اخ» بر آن دلالت دارند در قرآن به رابطه ای براساس دین محدود و منحصر شده است.» (مکاولیف، دائرة المعارف قرآن، ۱۳۹۸: ۲۷۱-۲۷۲/۵؛ McAuliffe, Clients and Clientage, 2001, vol 1, P. 345).

چهار. ولاء اسلامی

در نظر نویسنده «ولاء اسلامی» به نحو فردگرایانه و اطاعت طلبانه است که این گونه معرفی می شود: «ولاء اسلامی دارای اهمیت الهیاتی است که تصویر خداوند به صورت رب و مولای مؤمنان نه تنها خدایی را نشان می دهد که بر مؤمنان سلطه دارد؛ بلکه به این معنا هم هست که خداوند به آنان نزدیک و به معنای خاصی مسئول آنان است (که همواره از افراد تابع (موالی) خود محافظت می کند). تلقی قرآن از نوع پیوستگی درونی بین قلمروهای انسانی و الهی مسلمانان را قادر می ساخت خود را نزدیک تر به خدا ببینند و قدیر بودن (نحل / ۷۰) او را تا حدی دست یابتر درک کنند.» (مکاولیف، دائرة المعارف قرآن، ۱۳۹۸: ۲۷۲/۵؛ McAuliffe, Clients and Clientage, 2001 vol 1, P. 345).

پنج. معنای «ولایت» در قرآن

در قسمت پایانی مقاله گوئتر به تبیین معنای ولایت می پردازد و تلقی قرآن از «ولایت» را منعکس از الگوی کهن اعراب از رولبط اجتماعی مرتبط با همکاری دوجانبه و همراه با جمع گرایی و مساوات طلبی معرفی می کند. نویسنده در مورد کاربرد کلمه ولایت در قرآن به آیات ۴۳-۳۹ طه اشاره می کند و با قرینه گرفتن واژه «اصطنع» ولایت را به معنای حمایت خداوند از یکی از موالی خود یعنی موسی (علیه السلام) می داند: «هنگامی که مادر موسی (علیه السلام) او را در نیل قرار می دهد، خداوند به موسی (علیه السلام) می گوید: «مهری از خودم بر تو افکنم تا زیر نظر من پرورش یابی.» ﴿وَلْتَضَعْ عَلَىٰ غَيْبِی﴾، (طه/ ۳۹). موسی (علیه السلام) با آموزش و تجاربی که خداوند برای او می پسندید بزرگ شد و در این مقطع خداوند به او گفت: «تو را برای خود پروردم» ﴿وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِی﴾، (طه/ ۴۱). بنابر نظر مفسران مسلمان، این عبارت به این معناست که خداوند موسی (علیه السلام) را برای خود برگزیده، پروریده و تعلیم داده بود تا موسی (علیه السلام) برهان خداوند را محقق سازد و سخنگوی او باشد یا برای اینکه موسی (علیه السلام) رسالتی خاص را به انجام برساند. به نظر می آید مفهوم فرد یاریگر یا حامی که در اصطلاح «اصطنع» مندرج است،

اهمیتی تازه در جامعه سده‌های میلنه اسلامی یافته بود؛ چنانکه به‌کارگیری فراوان آن در متون قرون چهارم و پنجم، شاهد این مدعاست. در اینجا واژه به‌معنای «پرورش دادن کسی» است؛ اما در عین حال بر ارتباط غالباً پدرانه استاد با فرد تابع یا در حمایت خود (مصطنع، صنیع، صنیعه) نیز دلالت دارد که استادش او را می‌پرورد، آموزش می‌داد و تربیت می‌کرد» (مک‌اولیف، دائرة المعارف قرآن، ۱۳۹۸: ۲۷۲/۵؛ McAuliffe, Clients and Clientage, vol 1, P. 344).

۴. بررسی و نقد مدخل

پس از بیان گزارش مدخل، به بیان نکات مثبت و منفی این مقاله در قسمت‌های مطرح شده پرداخته می‌شود:

الف. نکات مثبت

یک. رویکرد تاریخی - لغوی به‌معنای «مولی، ولاء»

در متن مدخل، واژه «مولی» به‌معنای پیوند حقوقی افراد به فرد، خانواده، قبیله یا قومی دیگر آمده و شمول واژه «مولی» به‌عنوان فرد تابع، محافظت شده، شخص آزاد عضو یا برده آزاد شده مورد تأکید قرار گرفته است. این امر در بررسی تاریخی واژه «ولاء» تأیید می‌شود؛ چنان‌که ولاء در جامعه قبیله‌ای عرب مرسوم و ولاء قربت، قویترین ولاء بود. در آن جامعه فرد بیگانه نیازمند شخص یا قبیله‌ای بود که با ولاء به آنها پیوندد. سایر انواع ولاء شامل ولاء حلف، جوار، عتق است. ولاء حلف، هم‌سوگندی میان عرب و افرادی از غیرعرب بود که موجب پیوند دوستی بین آنها می‌شد (ابن‌خلدون، مقدمه، ۱۳۹۰: ۲۵۳/۱). جوار، حمایت یک طرف از طرف دیگر از طریق هم‌زیستی با او بود که به‌خاطر ترس از عوامل تهدیدکننده زندگی طرف مقابل صورت می‌گرفت و ولاء عتق در مورد بردگان بود (جوده، اوضاع اجتماعی - اقتصادی موالی در صدر اسلام، ۱۳۸۲: ۵۱-۴۹). در شعرهای جاهلی «مولی» به همین معانی به کار رفته است. شاعر جاهلی بنی‌نہشل در مورد قبیله‌اش گفته است: «واذا مولاک کان علیک عوناً*** اتاک القوم بالعجیب العجائب؛ آن‌گاه که مولایت (افراد قبیله‌ات) نیز دشمن تو باشند، مردم چیزهای عجیب به تو نسبت می‌دهند.» (مبرد، الکامل فی اللغة والادب، ۱۴۰۹: ۴۹/۱). مفضل بن عباس بن عبدالمطلب در مورد خویشاوندان خود می‌گوید: «مهلا بنی عنما، مهلا موالینا*** لاتنبشوا بیننا ما کان مدفوناً؛ آرام باشید پسرعموها، آرام باشید خویشاوندان، آنچه را که در خاک شده است، گورشکافی نکنید.» (همان: ۳۴۷/۲).



دو. برشمردن کاربردهای واژه «مولی» در تعدادی از آیات قرآن

در بخش کاربردهای واژه «مولی» در قرآن، نویسنده به تعدادی از معانی مولی مانند رب، محافظ، یاور و معتمد، راهنما شخص یا شیء مسئول، محافظ نیک یا بد، وارث، خویشاوند مرد، عضو تابع و نیز تابع و متبوع در آیاتی از قرآن با ذکر آیه موردنظر به تفکیک اشاره کرده است که برای آشنایی با معانی مختلف این واژه در آیات قرآن شایسته و از نکات مثبت این مدخل است (مک‌اولیف، دائرة المعارف قرآن، ۱۳۹۸: ۲۷۲/۵-۲۷۱؛ McAuliffe, Clients and Clientage, 2001, vol 1, P.344).

سه. توجه به معنای «تسلط و سلطه» در بیان معنای مولویت خداوند

اشاره به معنای «تسلط و سلطه» که یکی از معانی اصلی «مولی» است، در بیان مولویت خداوند از موارد قوت مدخل است. نویسنده مدخل، در بخشی از نوشتار خود، خداوند را به صورت رب و مولای مؤمنان مورد توجه قرار می‌دهد؛ آن هم مولایی که بر مؤمنان سلطه دارد. اشاره به معنای تسلط و رب در واژه «مولی» در این قسمت از مدخل - اگرچه دیر هنگام و گذراست - اما می‌تواند نکته مثبتی تلقی شود (مک‌اولیف، دائرة المعارف قرآن، ۱۳۹۸: ۲۷۲/۵-۲۷۱؛ McAuliffe, Clients and Clientage, 2001, vol 1, P.344).

چهار. تبیین واژه «ولایت» در قرآن

در قسمت انتهایی مقاله، گونتر در تبیین کلمه ولایت در قرآن، با اشاره به داستان حضرت موسی (علیه السلام) در آیات ۳۹-۴۳ سوره طه، تلویحاً به واگذاری حق مالکیت و سرپرستی توسط خداوند به پیامبرش، حضرت موسی (علیه السلام) اشاره کرده است (مک‌اولیف، دائرة المعارف قرآن، ۱۳۹۸: ۲۷۲/۵؛ McAuliffe, Clients and Clientage, 2001, vol 1, P. 344). بیان معنای مالکیت و سرپرستی برای واژه «مولی» در این قسمت از مدخل نشان می‌دهد نویسنده در بررسی خود بالجمله به این معنای مهم و کلیدی دست یافته است.

ب. نکات منفی

یک. گزارش سوگرایانه در بیان مفهوم واژه «مولی و ولاء»

در بررسی تاریخی معنای واژه مولی در تاریخ عرب، علاوه بر حمایت قبیله‌ای و پیمان‌های حمایت، معانی مختلفی قابل دستیابی است که در مقاله دائرة المعارف لیدن به آن اشاره نشده است. ازجمله این معانی، «امامت» است که در اشعار عرب به چشم می‌خورد، ازجمله شعر اخطل -از

شعرای فصیح در عرب و از برجستگان شناخت لغت عرب - در مدح عبدالملک مروان است که او را امام و رئیس از بین همه مردم دانسته و با لفظ «مولاها» وصف کرده است: «فاصبحت مولاها من الناس کلهم ***» و احری قریش ان تهاب و تحمدا» (شیخ مفید، رساله فی معنی المولی، ۱۴۱۳: ۱۷). همچنین قصیده مشهور کمیت بن زید «و یوم الدوح دوح غدیر خم... أبان له الولاية لو اطيعا» است که بیان می‌دارد که با خبر غدیر، امامت را برای امام علی (علیه السلام) واجب کرد و او را به ریاست وصف کرد. در این شعر واژه «ولایت» برای بیان امامت امام علی (علیه السلام) آمده است (امینی، الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب، ۱۳۶۶: ۱/۳۴۱). شیخ مفید معتقد است که با توجه به جایگاه کمیت در معرفت به لغت و عربیت، او لغتی را بر معنایی غیروضع آن به کار نمی‌برد و از استفاده او از واژه «مولی» در معنای امامت می‌توان فهمید که قبل از او نیز عرب واژه را در همین معنا استفاده کرده است (شیخ مفید، رساله فی معنی المولی، ۱۴۱۳: ۱۹).

در بررسی معنای لغوی واژه «مولی» در مدخل مشاهده می‌شود که نویسندگان آن را به صورت محدود و عمدتاً منحصر به رابطه خویشاوندی و پیوند حقوقی بین افراد معنا کرده است، در حالی که در کتب لغت، واژگان مولی، ولاء و ولایت از ریشه (ولی) است. «ولی» در متون لغوی به معنای قرب و نزدیکی (فیومی، مصباح المنیر، ۶۷۲/۲، قرشی، قاموس قرآن، ۱۳۷۱: ۷/۲۴۵)؛ و نیز باران بهاری که در ربیع می‌بارد و زمین را شاداب و سرسبز می‌کند، آمده است (راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۸۸۷؛ ابن فارس، مقاییس اللغة، ۱۳۹۹: ۶/۱۴۱). یکی از معانی واژه «مولی»، مالک و آقا بودن است. «ولی» مالک تمامی اشیا بوده و حق تصرف در آنها را دارد. ولایت همچنین به معنای سلطنت است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۴۰۸/۱۵-۴۰۶). «مولی» به معنای متصدی و متولی فی الامر نیز آمده است (زبیدی، تاج العروس، بی تا: ۳۱۰/۲۰)؛ چنان که در حدیث نبوی (ایما امرأة نکحت بغیر اذن مولاها، فنکاحها باطل) به متولی امر معنی شده است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۴۰۷/۱۵). در مفردات راغب آمده است که «وَلَاء و تَوَالی» به معنای دوستی و صمیمیت است که برای نزدیکی مکانی، نسبی، دینی، یاری کردن، اعتقاد و ایمان به کار می‌رود. «وَلَايَة» - با کسره حرف (و) یاری کردن است؛ ولی - وَلَايَة - با فتحه حرف (و) سرپرستی است و گفته شده که حقیقت هر دو واژه همان سرپرستی و برعهده گرفتن کار است (راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۸۸۵). زمخشری برای «ولی» دو معنای حقیقی قلئل است که شامل نزدیکی و پیایی بودن، و دیگری حق تصرف و سرپرستی در کار چیزی یا کسی است (زمخشری، اساس البلاغه، ۱۳۹۹: ۶۸۹). طبرسی در ذیل آیه «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا...» (بقره/۲۵۷) می‌نویسد: «ولی به معنای نزدیکی بدون فاصله و او



کسی است که به تدبیر امور دیگری احق و سزاوارتر است.» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۶۳۲/۲). علامه امینی برای «ولی» ۲۷ معنا را بیان کرده است که شامل رب، عم، ابن، ابن اخت، معتق، معتق، عبد، مالک، تابع، منعم علیه، شریک، هم پیمان، رفیق، همسایه، وارد و ساکن، داماد، قریب، منعم، هم عهد، اولی بالشی، ولی، سید و سرور، محب، ناصر، منصرف در امر، متولی در امر است (امینی، الغدیر، ۱۳۶۶: ۳۶۳/۱-۳۶۲). علامه طباطبایی ولایت را یک نحوه قربی می‌داند که باعث و مجوز نوع خاصی از تصرف و مالکیت تدبیر می‌شود. ایشان می‌افزاید که «ولایت» ابتدا در قرب و نزدیکی‌های زمانی و مکانی به کار رفته و سپس در قرب معنوی استعمال شده است و لازمه قرب و ولایت این است که ولی نسبت به متولی خود شئون و تصرفاتی داشته باشد که دیگران ندارند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۲/۱۳۹۰: ۶).

با توجه به مفهوم‌شناسی، می‌توان گفت که معنای اصلی برای کلمه «مولی» و ریشه (ولی)، اولویت در تصرف، سلطنت و مالک بودن است که تمام معانی دیگر از محافظت، دوستی و یاور، حمایت و... در تحت پوشش خود دارد؛ اما ملاحظه می‌شود که نویسنده مدخل در این قسمت به معنای «مولی» و «ولای» از این جنبه نپرداخته است و تنها بر معنای مولی به معنای محافظ و هم پیمان تأکید داشته است. علاوه بر این نویسنده مقاله در این قسمت از سویی منابع مورد استفاده را بیان نکرده است و از سوی دیگر در اثبات معنای ذکر شده به شواهد ادبی و شعر عرب استناد نکرده است، با اینکه بر طبق مبانی نویسنده، بررسی منابع شعری در مطالعات اسلامی لازم است (انجمن اروپایی ادیان، <https://egrd.eu/index.php/>). بنابراین گوئتر در این قسمت مدخل، در اثر تغافل یا عمد، با بررسی محدود منابع، با سوگیری، تنها به یک معنا از موضوع مورد بررسی پرداخته و از بیان معنای اصلی در منابع معتبر لغوی و تاریخی عرب بازمانده است.

دو. رویکرد گزینشی به معنای «مولی» در آیات قرآن

با مراجعه به ترجمه‌های قرآن کریم ملاحظه می‌شود که نویسنده مقاله به صورت گزینشی به معنای «مولی» در آیات پرداخته است، درحالی‌که در بسیاری از آیات قرآن، واژه «مولی» به سرپرست (بقره/۲۸۶؛ آل عمران/۱۵۰؛ انفال/۴۰؛ توبه/۵۱؛ محمد/۱۱؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۳؛ طبرسی، جوامع الجامع، ۱۳۷۵) و سازنده (حج/۷۸؛ تحریم/۲؛ نسفی، تفسیر نسفی، ۱۳۷۶) ترجمه شده است. همچنین در ترجمه طبری در بسیاری از موارد کلمه «مولی» به خداوند معنا شده است (طبری، تفسیر طبری، ۱۳۵۶، بقره/۲۸۶؛ آل عمران/۱۵۰؛ انعام/۶۲؛ توبه/۵۱). علامه طباطبایی معتقد است که ولایت در قرآن دارای مراتبی است. ولایت انحصاری برای خداوند است و به اذن

خداوند به انبیا و اولیاء داده می‌شود (مصلائی پوریزدی و کردلویی، «ولایت از دیدگاه علامه طباطبائی»، ۱۳۹۰: ۱۵۳-۱۳۱). نویسنده مقاله در کاربردهای این واژه در قرآن کریم به این معانی اشاره نکرده است. بیان نکردن منابع در این قسمت نیز از نقاط ضعف مدخل است. ذکر معنای محدود و انتخاب شده از واژه «مولی» بدون ذکر منابع باعث شده است که مقاله در این بخش از استحکام لازم برخوردار نباشد.

سه. نبود جامع‌نگری به منابع تفسیری در بیان معنای «مولی»

گوناگون‌تر در ادامه بررسی واژه «مولی و ولاء» به آیه ۴۱ سوره دخان استناد کرده و برای تعیین معنای این واژه به کتب تفسیری مراجعه کرده است؛ اما ارجاعات او در این قسمت تنها به برخی از تفاسیر اهل تسنن (تفسیر ابن‌کثیر و قرطبی) بوده و با توجه به آنها، هر دو کلمه «مولی» را در این لیه به یک معنا گرفته است و مراجعه‌ای به نظرات سایر مفسران نداشته است. این اظهارنظر وی به دلیل نبود جامع‌نگری به دیدگاه سایر مفسران فریقین و مراجعه نکردن به دیگر تفاسیر اهل تسنن و شیعه، از اتقان لازم برخوردار نیست (چرم‌دوز و محقق، تحلیل و نقد دیدگاه مایکل کوک در خصوص جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در منابع حدیثی شیعه، ۱۳۹۹: ۱۲۶-۱۰۳). لازم به ذکر است، اگرچه دائرةالمعارف قرآن لیدن شامل تفسیر قرآن نمی‌شود؛ اما دارای ارجاعاتی به کتب تفسیری در بخش‌های مختلف است (مؤدب و موسوی مقدم، نقد دائرةالمعارف قرآن لیدن براساس آرا و مبانی شیعه، ۱۳۸۷: ۱۰۵-۱۴۴)، بنابراین در جایی که نویسنده در مقام بیان معنای واژه «مولی و ولاء» بوده و در این مسیر به کتب تفسیری مراجعه کرده است؛ شایسته، بلکه لازم است که به منابع متعدد تفسیری فریقین مراجعه شود تا از یک‌سونگری و برداشت جانبدارانه مصون بماند. در این راستا برای آگاهی از واژه «مولی» به برخی از تفاسیر شیعه مراجعه می‌کنیم:

با مراجعه به تفاسیر مختلف می‌توان نتیجه گرفت که آیه ۴۱ سوره دخان، در مورد روز قیامت است که تمامی سبب‌های دنیوی از کار می‌افتد، همچنان‌که در آیه ۱۶۶ سوره بقره می‌فرماید: «وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ». با مراجعه به منابع تفسیری مشخص می‌شود که دو واژه «مولی» در این آیه، دارای دو معنای متفاوت از معنای «مولی» هستند. علامه طباطبائی در تفسیر المیزان، با بیان معنای دوگانه «مولی»، «مولی» اول در آیه را به معنای کسی می‌داند که حق دارد در امور دیگری تصرف کند، و «مولی» دوم به معنای کسی می‌داند که دیگری نسبت به او ولایت دارد «و المولی هو الصاحب الذی له أن یتصرف فی أمور صاحبه و یطلق علی من یتولی الأمر و علی من یتولی أمره» (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰: ۱۴۷/۱۸). در تفسیر احسن‌الحديث نیز مولای اول را سرپرستان و مولای دوم را سر



سپردگان دانسته است (قرشی، تفسیر احسن الحديث، ۱۳۷۵: ۸۸/۱۰). تفسیر مجمع البیان نیز آیه مورد بحث را در مورد مقام شفاعت در قیامت دانسته است که به وسیله پیامبر خدا ﷺ و ائمه اطهار (علیهم السلام) و مؤمنین، و با اذن خدا انجام می شود. آیه در مقام بیان این نکته است که کسانی که غیر اولیاء الله را به عنوان «ولی» برگزینند، نمی توانند به یکدیگر سود برسانند (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۱۰۲/۹).

در بررسی تفاسیر قرآن کریم مشاهده می شود که در آیات دیگری از قرآن کریم، واژه «مولی» به معنای سرپرست و صاحب اختیار آمده است (پویازاده و آگاهی، بررسی مقاله «تأویل از دیدگاه شیعه دوازده امامی»، ۱۳۸۹: ۱۴۸-۱۱۹). از جمله مولی در آیه ۳۰ سوره یونس است: ﴿هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَا أَسْلَفَتْ وَ رُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾، علامه طباطبایی در ذیل آیه می فرماید: حاصل مفاد فقرات سه گانه «هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ ...» و «رُدُّوْا إِلَى اللَّهِ ...» و «وَ ضَلَّ عَنْهُمْ ...» این است که «در آن روز حقیقت ولایت الهی به طور عیان ظهور پیدا می کند و خلق به عیان لمس می کنند که غیر از خدای تعالی، به جز فقر و مملوکیّت محض چیزی ندارند.» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰: ۴۷/۱۰). در تفسیر مجمع البیان در ذیل آیه ۱۵۰ سوره آل عمران آمده است: «بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ» ای لِهو اُولی بأن تطيعوه و هو اُولی بنصرتکم» که اولویت به اطاعت و نصرت در بیان مولی بیان شده است (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۸۵۶/۲). شیخ طوسی نیز در بیان معنای «أَنْتَ مَوْلَانَا» بیان می کند: «معناه أَنْتَ وَلِينَا اُولی بالتصرف فینا» (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۳۸۷/۲).

فخر رازی در ذیل آیه ۲۵۷ سوره بقره: ﴿اللَّهُ وَلِي الَّذِينَ آمَنُوا...﴾ آورده است که «ولی» بر وزن فاعیل و به معنای فاعل است و اصل آن از «ولی» به معنای قرب است. همچنین به معنای محب و معاون آمده است؛ زیرا «ولی» با محبت و یاری به تو نزدیک می شود و تو را تنها نمی گذارد. والی به معنای کسی است که قوم را با تدبیر و امر و نهی ولایت می کند (فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۱۴۲۰: ۱۱۷/۷). همچنین این مفسر اهل سنت در تفسیر آیه ۱۳۵ سوره نساء آورده است: «إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا أَىٰ إِنَّ يَكُنِ الْمُشْهُودُ عَلَيْهِ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ إِمَّا لَطَلَبِ رِضَا الْغَنَى أَوْ لِتَرْحَمِ عَلَى الْفَقِيرِ، فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِأُمُورِهِمَا وَمَصَالِحِهِمَا» (همان: ۲۴۱/۱۱). فخر رازی در تفسیر آیه ۵۱ سوره توبه: ﴿... هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ نیز مولی را به صاحب تصرف و مالک معنا می کند: «ثم قال تعالى: هُوَ مَوْلَانَا و المراد به ما يقوله أصحابنا أنه سبحانه يحسن منه التصرف في العالم كيف شاء، و أراد لأجل أنه مالک لهم و خالق لهم» (همان: ۶۷/۱۶). ملاحظه می شود که در تفاسیر متعدد شیعه و اهل سنت، در

تفسیر آیات حاوی کلمات «مولی» و «ولاء»، معنای مالکیت و تصرف در امور منظور شده و تنها معنای یاور و محافظ و هم‌پیمان مدنظر نبوده است. غفلت نویسنده از این نکته مهم موجب نقص مدخل در بیان دیدگاه مفسران در مورد کلمه «مولی» و کاهش استحکام و جامعیت مقاله شده است. اگرچه بنای بررسی مدخل‌ها در دائرةالمعارف، بر بررسی تفسیری آن نیست؛ اما در مواردی که نویسنده برای مشخص کردن معنا به منابع تفسیری ازجاء می‌دهد، شایسته است که در مراجعه به کتب تفسیری در تعیین واژه «مولی و ولاء» به سایر آیات در کتاب‌های تفسیری متعدد اعم از شیعه و سنی مراجعه کند و از بررسی محدود و سوگرایانه خودداری کند؛ زیرا از ویژگی‌های مهم دائرةالمعارف، ارائه فشرده تمام اطلاعات لازم دربارۀ یک مطلب است، به‌طوری‌که خواننده را از مراجعه به سایر کتاب‌ها بی‌نیاز سازد (مجمع جهانی شیعه‌شناسی، نقد دائرةالمعارف قرآن لیدن براساس آراء و مبانی شیعه ۲، ۱۳۹۵، <https://shiastudies.com/fa/>). همچنین بررسی تطبیقی موجب جذابیت محتوای مقالات می‌شود (معارف، دائرةالمعارف قرآن لیدن، امتیازات و چالش‌ها، ۱۳۹۲: ۴۶-۳۸).

چهار. نگاه گذرا به معنای کلیدی «تسلط و مالکیت» در میان معانی واژه «مولی»

گوناگون‌تر در بیان مولویت خداوند، بعد از اشاره گذرا به معنای «سلطه و تسلط» در میان معانی «مولی»، خداوند را نزدیک به مؤمنان و به معنای خاصی مسئول آنان می‌داند که همواره از افراد تابع (موالی) خود محافظت می‌کند. ملاحظه می‌شود در این قسمت هم با پرداختن به معنای قربت و نزدیکی و حفاظت، معنای اصلی ولایت در مورد خداوند – که همان معنای تسلط است – را کم‌رنگ و فرعی جلوه می‌دهد. این در حالی است که در قرآن کریم، کلمه «مولی» و «ولی» در مورد خداوند به معنی مالک مطلق به کار رفته است (احمدی بی‌غش، ادله قرآنی، روایی وجوب تبعیت و حرمت مخالفت با پیامبر (ص) و اولیای الهی از دیدگاه مفسران فریقین، ۱۴۰۰: ۱۱۹-۱۰۰)، که سلطنت، سرپرستی و حق امر و نهی مطلق، تنها از آن اوست (بقره/۱۰۷، ۱۲۰، ۲۵۷؛ توبه/۱۱۶؛ انعام/۷۰؛ آل عمران/۶۸). در آیات دیگر (آل عمران/۱۵۰؛ انفال/۴۰؛ حج/۷۸؛ تحریم/۲؛ یونس/۳۰) مولا به معنای صاحب اختیار و اولی به تصرف آمده است. خداوندی که اراده و امرش در خلق نافذ است و تنها او می‌تواند حق مالکیت را به برخی از بندگان مانند رسول خدا و یا مؤمنان اعطا کند.

پنج. تغافل از آیه ولایت در تبیین معنای «مولی و ولایت» در قرآن

نویسنده در بررسی ولایت در قرآن در آیات ۴۳-۳۹ سوره طه نیز طبق روال مقاله، موسی (علیه السلام) را تحت حمایت و محافظت خداوند معرفی کرده است و به معنای پرورش و تربیت در متن واژه ولایت



اشاره کرده است و اینکه هدف خداوند از این تربیت، آمادگی حضرت موسی (علیه السلام) برای رسالتی خاص بوده است. این بیان در صورتی کامل و گویا خواهد بود که ولایت به معنای «تسلط خداوند بر بندگان و اولویت در تصرف کامل در امور» باشد. این مفهوم همان حق ولایت است که خداوند آن را به بندگان خاص خود افزوده می‌کند، بنابراین اولیای الهی سرپرست و مولای بندگان خدا در تمام امور خواهند بود. این معنا از ولایت در ضمن در برداشتن سایر معانی ولایت، مانند حمایت، حفاظت، تربیت و... دارای معنای کامل‌تری خواهد بود که تمام شئون زندگی فردی، اجتماعی و دنیوی و اخروی افراد را در بر می‌گیرد.

به جرئت می‌توان گفت که کامل‌ترین مصداق بیان ولایت در قرآن، آیه ۵۵ سوره مائده است که به‌عنوان آیه ولایت در میان مسلمانان شناخته شده و جایگاه آراء و اندیشه‌های متفاوت است. استناد به این آیه برای تبیین معنای ولایت در قرآن، امری لازم و ضروری بوده که نویسنده مدخل به‌طور سهو یا عمد از آن غافل شده و این امر از استحکام و تمامیت مقاله کاسته است. خداوند در این آیه می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (مائده/۵۵).

بر سر معنای «ولی» در این آیه بین مفسران شیعه و سنی اختلاف نظر هست. مفسران شیعه «ولی» را در این آیه به سرپرست، صاحب‌اختیار و ولی به تصرف معنا کرده‌اند. طبرسی در مجمع‌البیان می‌فرماید: در این آیه خداوند متعال، کسی را که بر مردم سمت ولایت و رهبری دارد و اطاعتش بر مردم واجب است، معرفی کرده است، بنابراین آیه از واضح‌ترین دلایل بر امامت بلافصل امام علی (علیه السلام) پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) است (طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۳/۳۲۶). مرحوم شیخ طوسی ذیل این آیه می‌فرماید که کلمه «انما» موجب اختصاص حکم به فرد خاص و سلب از غیر آن می‌شود و بنابراین نمی‌توان «ولی» را به معنای دوست بدانیم و هدف آیه را دوستی و محبت دینی بین مؤمنان معنا کنیم؛ پس تنها می‌توان «ولی» را در آیه به «امام واجب‌الاطاعة و صاحب‌اختیار» معنا کرد. بر این اساس، مصداق منحصر به فرد «الَّذِينَ آمَنُوا» امام علی (علیه السلام) است و در روایات شیعه و سنی نقل شده است که آیه شریفه، درباره امام علی (علیه السلام) هنگامی نازل شد که انگشتی خود را در حال رکوع به سائل بخشید (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۵۵۹/۳). شیخ طوسی با استدلال به معنای «ولی» در آیه به «اولی و احق»، عبارت «وَالَّذِينَ آمَنُوا» را مختص به امیرالمؤمنین (علیه السلام) دانسته و آیه را شاهد در اثبات امامت ایشان برمی‌شمرد: «فإذا ثبت هذا الاصلان دل علی امامته، لأن کل من قال: ان معنی الولی فی الآیة ما ذکرناه قال إنها خاصة فیه. و من قال باختصاصها به (علیه السلام) قال المراد بها الامامة» (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۵۶۰/۳).

فخر رازی «ولی» را به معنای ناصر و محب، و آیه را به قرینه کلمه «الَّذِينَ»، عام و در حق همه مؤمنان می‌داند و بیان می‌کند: «و علی هذا فقولہ الَّذِينَ يَقِیْمُونَ الصَّلَاةَ وَ یُؤْتُونَ الزَّكَاةَ صفة لكل المؤمنین، و المراد بذكر هذه الصفات تمييز المؤمنین عن المنافقین لأنهم كانوا یدعون الإیمان إلا أنهم ما كانوا مداومین علی الصلوات و الزکوات» (فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۱۴۲۰: ۱۲/۳۸۳). وی ضمن اشاره به اعتقاد شیعه درباره دلالت آیه بر امامت امام علی (علیه السلام) برای ولی در لغت، دو معنای ناصر و محب و نیز تصرف را بیان می‌کند و معتقد است که می‌توان هر دو معنا را در آیه صحیح دانست (همان: ۱۲/۳۸۴). این در حالی است که علامه طباطبایی معتقد است که کلمه «الَّذِينَ» نمی‌تواند بیانگر همه مؤمنان باشد؛ زیرا در موارد بسیاری در عرف و نیز در قرآن کریم لفظ جمع استعمال، و واحد اراده شده است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰: ۱۲/۶). همچنین در تبیین اثبات ولایت برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) به سیاق آیه استناد می‌کند که سیاق آیه شریفه نشان می‌دهد که ولایت نسبت به خدا و رسول و مؤمنان به یک معناست، چون ولایت را به یک نسبت به همه نسبت داده است. پس سنخ ولایت هر دو یکی و از سنخ ولایت خود پروردگار است و همان ولایت تکوینی و تشریعی ثابت شده برای خداوند را به رسول خود استناد می‌دهد و در آیه مورد بحث همان را برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) ثابت می‌کند؛ بنابراین ولایت هر سه مورد ولایت واحده‌ای است که به طور اصالت برای پروردگار و به طور تبعیت و به اذن خدا برای رسول خدا و امیرالمؤمنین (علیه السلام) ثابت می‌شود (همان: ۱۳/۶).

شایسته بود که نویسنده مقاله مولی در دائرةالمعارف لیدن در بررسی مدخل «مولی و ولاء»، که از مباحث مهم کلامی و اعتقادی بین مذاهب مختلف اسلامی است، در پرداختن به معنای ولایت در قرآن برای رهایی از اتهام به نقص و بررسی گزینشی، به بررسی هر چند گذرای آیه ولایت پرداخته و به نظرات علمای مختلف شیعه و اهل سنت اشاره‌ای داشته باشد. نپرداختن به این آیه که عرصه آرای مختلف بین دو مذهب بزرگ اسلامی است، نقص مهمی در این مقاله به‌شمار می‌رود.

۴. نتیجه

بررسی مدخل «مولی، موالی، ولاء» در دایرةالمعارف قرآن لیدن نشان می‌دهد که نویسنده به این واژه رویکرد تاریخی خوبی داشته است و کاربرد آن را در جامعه قبیله‌ای عرب قبل از اسلام بیان کرده است. این نکته مثبت مقاله را می‌توان براساس مبانی فکری نویسنده تحلیل کرد که فرهنگ اسلامی را تحت تأثیر شاخص‌های فرهنگی بومی و محلی مقصد می‌داند. نظم منطقی متن مقاله و بررسی کاربرد واژه «مولی» در قرآن با بررسی تعدادی از آیات و معنای به‌کاررفته در قرآن نیز از دیگر نکات مثبت این



مدخل است. با وجود این نکات مثبت، ضعف‌های مختلفی در مدخل وجود دارد. نویسندگان برای قسمت‌های مختلف مقاله عنوان‌بندی جداگانه‌ای در مطالب لحاظ نکرده است. ذکر نکردن منابع استفاده‌شده در قسمت‌های مختلف مدخل موجب کاهش اتقان و استواری مقاله شده است. نویسندگان در بررسی واژه «مولی» در قرآن به آیات خاصی از قرآن کریم اشاره کرده و با شاهد آوردن از تعداد معدودی از تفاسیر اهل سنت، معنای محافظت و حمایت را به عنوان معنای اصلی و یا منحصر به فرد برای واژه «مولی» پذیرفته است. این رویکرد جانبدارانه از معرفی معنای خاص از این واژه، از نکات نقص در مدخل «مولی» است. با بررسی منابع تاریخی و لغوی مشخص می‌شود که واژه «مولی» دارای معانی متعددی است که وجه مشترک آنها «اولویت در تصرف، تسلط و مالکیت» است که نویسنده مدخل مولی با مراجعه نکردن به منابع مختلف و غفلت از بررسی جامع معنای آن از این مهم باز مانده است.

گوناگون‌تر در تبیین معنای «مولی» در قرآن تنها به آیه ۴۱ سوره دخان استناد کرده و چنانکه در مدخل مشاهده می‌شود، در این مسیر ناگزیر از مراجعه به منابع تفسیری بوده است؛ اما در تعیین معنای واژه با مراجعه به آرای تعداد اندکی از مفسران اهل سنت و بی‌توجه به منابع متعدد فریقین (که امری لازم در جهت تکمیل و استحکام چنین پژوهشی بوده است)، دیدگاه نادرستی از واژه «مولی» در قرآن ارائه کرده است. با مراجعه به منابع متعدد، به‌ویژه تفاسیر شیعه مشخص می‌شود که در بسیاری از آیات قرآن واژه «مولی» به معنای «اولویت در تصرف» به کار رفته است. نویسندگان در بررسی معنای ولایت در قرآن، به آیات ۴۳-۳۹ سوره طه اشاره می‌کند و سعی در تبیین رابطه ولایت بین خداوند و حضرت موسی (علیه السلام) دارد. به نظر می‌رسد نقص بررسی منابع مذاهب سنی و شیعه در این قسمت از مقاله هم خودنمایی می‌کند. همچنین نویسندگان به آیه ولایت (مائده/۵۵) اشاره‌ای نکرده است، درحالی‌که این آیه مهم‌ترین آیه قرآن کریم برای تبیین معنای ولایت و مجال آرای عالمان شیعه و سنی و موجب افتراق مذاهب اسلامی است. از آنجاکه دائرة المعارف قرآن لیدن به بررسی واژه‌ها در قرآن پرداخته است، در مدخل «مولی و ولأء» علاوه بر بیان معنای تاریخی، به بررسی معنای این واژه در برخی از آیات قرآن پرداخته است و نویسندگان مدخل، از لزوم مراجعه به منابع تفسیری در تعیین معنای این واژه در قرآن غافل نبوده است و چنانکه در متن مدخل ملاحظه می‌شود، به تفاسیر ابن‌کثیر، قرطبی و جلالین ارجاع داده است. همچنین به اهمیت واژه «ولایت» در قرآن و لزوم بررسی آن در ضمن این مدخل واقف بوده است؛ اما به نظر می‌رسد که در هر دو این مباحث کلیدی و مهم در مراجعه به منابع، رویکرد محدود و جانبدارانه داشته است، به همین علت، از بررسی کامل منابع فریقین و در نتیجه، بیان کامل و مبسوط معنای واژه «مولی و ولأء» در قرآن، چنانچه از دائرة المعارف قرآن انتظار می‌رود، باز مانده است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه ابن خلدون، ترجمه: محمد، پروین گنبدادی، نشر الکترونیک، <http://isupol91.ir/post/285>، ۱۳۹۰ ش.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۴. احمدی بیغش، خدیجه، «ادله قرآنی، روایی و جوب تبعیت و حرمت مخالفت با پیامبر (ص) و اولیای الهی از دیدگاه مفسران فریقین»، مطالعات تفسیر تطبیقی، شماره ۲، ۱۴۰۰ ش.
۵. امینی نجفی، عبدالحسین، (علامه امینی)، الغدير فی الکتاب و السنة و الادب، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶ ش.
۶. ترکمانی، حسینعلی؛ محمدی، جواد، «ارزیابی پژوهش‌های جین دمن مک اولیف»، قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۱۷، ۱۳۹۳ ش.
۷. پویازاده، اعظم؛ آگاهی، معصومه، «بررسی مقاله «تأویل از دیدگاه شیعه دوازده امامی»، قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۹، ۱۳۸۹ ش.
۸. جعفری، محمدرضا؛ حائری، سیدحسین، «جستاری در معنای واژه «ولی»، امامت پژوهی، شماره ۱، ۱۳۹۲ ش.
۹. جوده، جمال، اوضاع اجتماعی — اقتصادی موالی در صدر اسلام، ترجمه: مصطفی جباری و مسلم زمانی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۲ ش.
۱۰. چرم‌دوز، پری؛ محقق، محمد، «تحلیل و نقد دیدگاه مایکل کوک در خصوص جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در منابع حدیثی شیعه»، قرآن، فرهنگ و تمدن، شماره ۲، ۱۳۹۹ ش.
۱۱. ذوقی، امیر، «چند معنایی واژه‌های ولی و مولى در قرآن کریم»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۶۷، سال ۲۶، ۱۳۹۹ ش.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار الشامية، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. زبیدی، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۱۴. زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر، أساس البلاغة، بیروت: دار صادر، ۱۳۹۹ ق.
۱۵. شاهرخی، سیدعلاءالدین؛ بهرامی، روح‌الله، «موالی در خلافت امام علی (علیه السلام)، مبانی رفتارشناسی امام علی (علیه السلام) درباره موالی»، تاریخ اسلام و ایران، سال ۲۲، شماره ۱۴، پیاپی ۱۰۱، ۱۳۹۱ ش.



۱۶. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، مترجمان، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ش.
۱۸. _____، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۹. طبری، محمدبن جریر، ترجمه تفسیر طبری، تهران: توس، ۱۳۵۶ش.
۲۰. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۲۱. عکبری بغدادی، محمدبن محمد بن نعمان، (شیخ مفید)، رساله فی معنی المولی، قم: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۲۲. غلامی، اصغر؛ برنجکار، رضا، «تبیین معنای «ولی» در پرتو آیات ولایت»، اندیشه نوین دینی، شماره ۳۰، ۱۳۹۱ش.
۲۳. فخررازی، محمدبن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۴. فیومی، احمدبن محمدبن علی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، بیروت: مکتبه العلمیه، بی تا.
۲۵. قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۵ش.
۲۶. _____، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۲۷. قرطبی، محمدبن احمد، الجامع لأحكام القرآن (تفسیر قرطبی)، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۲۸. ابن فارس، أبوالحسین احمدبن فارس بن زکریاء، معجم مقاییس اللغة، قم: دار الفکر، ۱۳۹۹ق.
۲۹. کاجی، حسین، «نگاهی به کارنامه فکری و فرهنگی برخی از ایران شناسان و اسلام شناسان در کانادا»، مجله فرهنگ ملل، ۱۳۹۶ش.
۳۰. مبرد، محمدبن یزید، الکامل فی اللغة والادب، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ق.
۳۱. مجمع جهانی شیعه شناسی، «نقد دائرة المعارف قرآن لیدن براساس آراء و مبانی شیعه ۲»، <https://shiastudies.com/fa/>، ۱۳۹۵
۳۲. مصلاپی پوریزدی؛ عباس، کردلویی، ملیکا، «ولایت از دیدگاه علامه طباطبایی»، پژوهش های اعتقادی - کلامی، سال اول، شماره ۳، ۱۳۹۰ش.

۳۳. معارف، مجید، «دائرةالمعارف قرآن لیدن، امتیازات و چالش‌ها»، کتاب ماه دین، سال شانزدهم، شماره ۷۲، پیاپی ۱۹۲، ۱۳۹۲ش.
۳۴. معلمی، مصطفی؛ اسفندیاری، مجتبی، «ریشه‌های تاریخی تبعیض درباره موالی در عصر خلفا»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۱، ۱۳۹۲ش.
۳۵. مکاویف، جین دمن، دائرةالمعارف قرآن لیدن، ترجمه: خندق آبادی، حسین و همکاران، تهران: حکمت، ۱۳۹۸ش.
۳۶. مؤدب، سیدرضا، موسوی مقدم، سیدمحمد، «نقد دائرةالمعارف قرآن لیدن براساس آرا و مبانی شیعه»، شیعه‌شناسی، سال ششم، شماره ۲۳، ۱۳۸۷ش.
۳۷. نسفی، عمرین محمد، تفسیر نسفی، تهران: سروش، ۱۳۷۶ش.
۳۸. نظری توکلی، سعید، «تأثیرپذیری نگرش‌های کلامی از معناشناسی واژه «مولی»»، مطالعات اسلامی، شماره ۷۸، ۱۳۸۶ش.

39. <https://egrd.eu/index.php/en/events/events-en/dr-sebastian-guenther-the-role-of-religions-in-spreading-peace.html>.
40. <https://ccas.georgetown.edu/2011/11/11/dr-sebastian-gunther-speaks>. on-ibn-rushd-and-thomas-aquinas/
41. <https://www.uni-goettingen.de/en/>.
42. McAuliffe, Jane Dammen, The Encyclopaedia of the Qur'ān, Clients and Clientage, Leiden; Brill, 2001.



Resources

1. *Quran Karim (The Noble Quran)*, Translation: Nasser Makarem Shirazi, Islamic Sciences and History Studies Center, Qom: 1373 SH (1994 CE).
2. Ahmadi Bighash, Khadijeh, “*Adelleh-ye Qurani, Revai va Jubub Tabaiyyat va Hurmati Mokhalefat ba Payambar (S) va Awliya Allah az Didgah-e Mofassarane Fariqin*” (*Quranic and Narrative Evidence for the Obligation to Follow and the Prohibition of Disobeying the Prophet (PBUH) and the Friends of God from the Perspective of Interfaith Commentators*), Comparative Exegesis Studies, No. 2, 1400 SH (2021 CE).
3. Amini Najafi, Abdolhossein (Allameh Amini), *Al-Ghadir fi al-Kitab wa al-Sunnah wa al-Adab (Al-Ghadir in the Book, the Sunnah, and Literature)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1366 SH (1987 CE).
4. Charm-Doz, Pari; Mohaghegh, Mohammad, “*Tahlil va Naqd Didgah-e Michael Cook dar Khusus-e Jaygah-e Amr be Ma’roof va Nahy az Monkar dar Manabe’ Hadithi Shi’a*” (*Analysis and Critique of Michael Cook’s View on the Position of Enjoining Good and Forbidding Wrong in Shi’a Hadith Sources*), Quran, Culture, and Civilization, No. 2, 1399 SH (2020 CE).
5. Fakhr Razi, Muhammad ibn Umar, *Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb) (The Great Exegesis (Keys to the Unseen))*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1420 AH (1999 CE).
6. Fayoumi, Ahmad ibn Muhammad ibn Ali, *Al-Misbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir lil-Rafi’i (The Illuminating Lamp in the Strange Words of al-Sharh al-Kabir by al-Rafi’i)*, Beirut: Maktaba al-Ilmiya, n.d.
7. Gholami, Asghar; Berenjkari, Reza, “*Tafsir-e Ma’na-ye ‘Wali’ dar Parto-ye Ayat-e Velayat*” (*Explanation of the Meaning of ‘Wali’ in Light of the Verses of Guardianship*), New Religious Thought, No. 30, 1391 SH (2012 CE).
8. Ibn Faris, Abu al-Hossein Ahmad ibn Faris ibn Zakariya, *Mu’jam Maqayis al-Lughah (Dictionary of Language Measures)*, Qom: Dar al-Fikr, 1399 AH (1979 CE).
9. Ibn Khaldun, Abd al-Rahman ibn Muhammad, *Muqaddimah Ibn Khaldun (The Prolegomena of Ibn Khaldun)*, Translated by: Mohammad Parvin Gonabadi, Electronic Publishing, <http://isupol91.ir/post/285>, 1390 SH (2011 CE).
10. Ibn Manzoor, Muhammad ibn Makram, *Lisan al-Arab (The Tongue of the Arabs)*, Beirut: Dar Sadir, 1414 AH (1993 CE).
11. Jafari, Mohammad Reza; Haeri, Seyyed Hossein, “*Jostari dar Ma’na-ye Vajeh ‘Wali’*” (*An Inquiry into the Meaning of the Term ‘Wali’*), Imamate Studies, No. 1, 1392 SH (2013 CE).

12. Joudeh, Jamal, *Awza' Ijtimai-Eqtasadi Mawali dar Sadr-e Islam (The Socio-Economic Conditions of Mawali in Early Islam)*, Translated by: Mostafa Jabari and Moslem Zamani, Tehran: Nashr-e Ney, 1382 SH (2003 CE).
13. Kaji, Hossein, "Negahi be Karmaneh-ye Fekri va Farhangi Barkhi az Iran Shenasi va Islam Shenasi dar Kanada" (*A Look at the Intellectual and Cultural Works of Some Iranologists and Islamologists in Canada*), Journal of National Culture, 1396 SH (2017 CE).
14. Ma'aref, Majid, "Da'irat al-Ma'arif Quran Leiden, Emtiyazat va Chalesh-ha" (*The Encyclopaedia of the Quran of Leiden, Advantages and Challenges*), Ketab Mah-e Din, Year 16, No. 72, Serial No. 192, 1392 SH (2013 CE).
15. Majma Jahan Shia Shenasi, "Naqd Da'irat al-Ma'arif Quran Leiden bar Asas Ara' wa Mabani Shia" (*Critique of the Encyclopaedia of the Quran of Leiden Based on Shi'a Views and Principles*), 1395 SH (2016 CE), (<https://shiastudies.com/fa/>).
16. McAuliffe, Jane Dammen, *Da'irat al-Ma'arif Quran Leiden (The Encyclopaedia of the Quran of Leiden)*, Translated by: Khandagh Abadi, Hossein et al., Tehran: Hikmat, 1398 SH (2019 CE).
17. McAuliffe, Jane Dammen, *The Encyclopaedia of the Qur'ān*, Clients and Clientage, Leiden; Brill, 2001.
18. Moaddab, Seyyed Reza; Mousavi Moqaddam, Seyyed Mohammad, "Naqd Da'irat al-Ma'arif Quran Leiden bar Asas Ara' wa Mabani Shia" (*Critique of the Encyclopaedia of the Quran of Leiden Based on Shi'a Views and Principles*), Shi'a Studies, Year 6, No. 23, 1387 SH (2008 CE).
19. Moallemi, Mostafa; Esfandiari, Mojtaba, "Risheh-haye Tarikhi Tabi'iz darbareh-ye Mawali dar Asr-e Khulafa" (*Historical Roots of Discrimination against Mawali in the Era of the Caliphs*), History of Islamic Culture and Civilization, Year 4, No. 11, 1392 SH (2013 CE).
20. Mosalla'i Pour Yazdi, Abbas; Kordlouei, Melika, "Velayat az Didgah-e Allameh Tabataba'i" (*Guardianship from the Perspective of Allameh Tabataba'i*), Doctrinal and Theological Researches, Year 1, No. 3, 1390 SH (2011 CE).
21. Mubarrad, Muhammad ibn Yazid, *Al-Kamil fi al-Lughah wa al-Adab (The Complete Work on Language and Literature)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1409 AH (1989 CE).
22. Nasafi, Umar ibn Muhammad, *Tafsir Nasafi (Nasafi's Exegesis)*, Tehran: Soroush, 1376 SH (1997 CE).
23. Nazari-Tavakkoli, Saeed, "Tasir Paziri-ye Negarish-haye Kalami az Ma'na Shenasi Vajeh-ye 'Mawla'" (*Influence of Theological Perspectives on the Semantics of the Term 'Mawla'*), Islamic Studies, No. 78, 1386 SH (2007 CE).



24. Pouyazadeh, Azam; Agahi, Masoumeh, "*Barrasi-ye Maqaleh 'Ta'wil az Didgah-e Shi'a Davazdah Imami'*" (Review of the Article 'Interpretation from the Perspective of Twelver Shi'a'), *Orientalist Quranic Studies*, No. 9, 1389 SH (2010 CE).
25. Qarashi, Seyyed Ali Akbar, *Qamus al-Quran (Dictionary of the Quran)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1371 SH (1992 CE).
26. Qarashi, Seyyed Ali Akbar, *Tafsir Ahsan al-Hadith (Exegesis of the Best Narration)*, Tehran: Bonyad-e Be'that, 1375 SH (1996 CE).
27. Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad, *Al-Jami' li Ahkam al-Quran (Tafsir Qurtubi) (The Compendium of Quranic Rulings (Qurtubi's Exegesis))*, Tehran: Nasir Khosrow, 1364 SH (1985 CE).
28. Raghib Isfahani, Hossein ibn Mohammad, *Mufradat Alfaz al-Quran (Vocabulary of the Words of the Quran)*, Beirut: Dar al-Shamiyyah, 1412 AH (1991 CE).
29. Shahrokhi, Seyyed Aladdin; Bahrami, Rouhollah, "*Mawali dar Khilafat-e Imam Ali (A), Mabani-e Raftarshenasi Imam Ali (A) darbare-ye Mawali*" (*Mawali in the Caliphate of Imam Ali (A), Behavioral Foundations of Imam Ali (A) regarding Mawali*), *History of Islam and Iran*, Year 22, No. 14, Serial No. 101, 1391 SH (2012 CE).
30. Tabari, Mohammad ibn Jarir, *Tarjomeh Tafsir Tabari (Translation of Tabari's Exegesis)*, Tehran: Toos, 1356 SH (1977 CE).
31. Tabarsi, Fazl ibn Hasan, *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Collection of Explanations in the Exegesis of the Quran)*, Tehran: Nasir Khusraw, 1372 SH (1993 CE).
32. Tabarsi, Fazl ibn Hasan, *Tafsir Jami' al-Jami' (The Comprehensive Commentary)*, Translators, Mashhad: Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi, 1375 SH (1996 CE).
33. Tabataba'i, Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Balance in the Exegesis of the Quran)*, Beirut: Al-A'lami Institute for Publications, 1390 AH (1970 CE).
34. Torkmani, Hossein Ali; Mohammadi, Javad, "*Arzyabi-ye Pajuhesh-ha-ye Jane-Damen McAuliffe*" (*Evaluation of Jane Dammen McAuliffe's Researches*), *Orientalist Quranic Studies*, No. 17, 1393 SH (2014 CE).
35. Tusi, Muhammad ibn Hasan, *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran (The Elucidation in the Exegesis of the Quran)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, n.d.
36. Ukbari-Baghdadi, Muhammad ibn Muhammad ibn Nu'man (Sheikh Mufid), *Risalah fi Ma'na al-Mawla (Treatise on the Meaning of Mawla)*, Qom: Al-Mu'tamar al-Alami li Alfiyyat al-Sheikh al-Mufid, 1413 AH (1992 CE).
37. Zabidi, Seyyed Mohammad Mortaza, *Taj al-Arous min Jawahir al-Qamus (The Bride's Crown of the Jewels of the Dictionary)*, Beirut: Dar al-Fikr, n.d.

38. Zamakhshari, Abu al-Qasim Mahmoud ibn Omar, *Asas al-Balaghah (The Foundation of Eloquence)*, Beirut: Dar Sadir, 1399 AH (1979 CE).
39. Zoqi, Amir, "*Chand Ma 'na 'i-ye Vajeh-haye Wali va Mawla dar Quran-e Karim*" (*Polysemy of the Terms 'Wali' and 'Mawla' in the Noble Quran*), Historical Studies of the Quran and Hadith, No. 67, Year 26, 1399 SH (2020 CE).
40. <https://egrd.eu/index.php/en/events/events-en/dr-sebastian-guenther-the-role-of-religions-in-spreading-peace.html>.
41. <https://www.uni-goettingen.de/en/>.
42. <https://ccas.georgetown.edu/2011/11/11/dr-sebastian-gunther-speaks-on-ibn-rushd-and-thomas-aquinas>.